

نطق و تکلم در قرآن

هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق (۱)

عبدالکریم بی آزار شیرازی

مقدمه :

یکی از معجزات عیسی (ع) کلمة الله، تکلم آن حضرت در گهواره و بزرگسالی بود (ویکلم الناس فی المهد و کهلاً). قرآن کلام الله نیز از نظر نطق معجزه است با این تفاوت که عیسی (ع) به طور موقت و تا آنگاه که در میان مردم به سر می برد سخن می گفت اما قرآن برای همیشه تا به روز قیامت با مردم سخن می گوید، سخن حقی که منطبق با واقعیت است چنانکه خداوند خود فرموده است:

هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق (۱) .

در اینکه قرآن چگونه به حق نطق می کند امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: ینطق بعضه ببعض (۲) (پاره‌ای از آن به وسیله پاره‌ای دیگر سخن می گوید) وان الكتاب یصدق بعضه بعضاً (۳) (قسمتی از این کتاب

۱- سورة جاثیه: ۲۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه: ۱۳۱.

۳- نهج البلاغه، حکمت: ۱۸.

قسمت دیگر را تصدیق می کند). و در خطبه دیگر می فرماید :
 ذلك القرآن فاستنطقوه ولن ينطق ولكن اخبركم عنه الا ان فيه
 علم ماياتي والحديث عن الماضي و دواء دائكم ونظم ما بينكمم (ع).
 این نور قرآن است آن را به سخن آورید، که هرگز (خود به خود)
 سخن نمی گوید ولی من از جانب آن شما را خبر می دهم: بدانید که در
 قرآن علوم آینده و اخبار گذشته، داروی بیماریها و نظم [اجتماعی]
 شماست.

یکی از راههای به نطق آوردن قرآن تأویل و بازگرداندن آیات
 متشابه به آیات محکمت قرآن است چنانکه امام رضا (ع) می فرماید:
 من رد متشابه القرآن الی محکمه هدی الی صراط مستقیم (ه).

همچنین توجه به ارتباط آیات و موضوعات گوناگون ترکیب شده
 در هر سوره کلید نطق قرآن است، آری همین ترکیب خاص که به ظاهر
 نامربوط بنظر می رسد قرآن را به صورت کتابی بی کران در آورده که همواره
 سخن می گوید و بی جهت نیست که علمای اعجاز بیشترین وجه اعجاز قرآن
 را در ترکیب خاص آن می دانند (۶).

قرآن معجزه معجزات با ارتباط آیات :

دکتر محمد عبدالله دراز استاد برجسته دانشگاه الازهر مصر
 و عضو جماعة كبار العلماء می نویسد :

«سزاوار است که پاره‌ای از کوشش خود را بر نکته‌ای که بسیاری از
 آن غافل مانده‌اند، متمرکز کنیم. و آن روش قرآن در پرداختن به بیش از
 يك موضوع در يك سوره است. وقتی با نظر سطحی به آن می‌نگرند،

۴- نهج البلاغه، خطبه : ۱۵۸.

۵- تفسیر الصافی، مولی محسن فیض کاشانی، چاپ بیروت اعلمی، ۱۳۹۹ هـ، ج ۱ ص ۲۹۶.

۶- ر.ک. به : الاتقان فی علوم القرآن سیوطی، نوع ۶۴ و تفسیر نظم الدرر فی تناسب-

الایات والسور بقاعی. چاپ هند ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸-۹.

هماهنگی و ارتباط طبیعی میان موادی که يك سوره دربردارد، نمی‌یابند، و قرآن را بطور کلی جز مطالبی پراکنده و افکاری متنوع که بطور نامنظم و بدون رابطه منطقی است، نمی‌بینند، و بعضی از مستشرقین این عیب را به اصحاب پیامبر گرفته‌اند که قرآن را اینچنین مخلوط و درهم جمع‌آوری کرده‌اند ولی روایت صحیح (چنانکه خواهد آمد) دلالت دارد که قرآن به همین شکل و ترتیب کنونی، از زمان حیات پیامبر اکرم (ص) بوده است (۷).

دکتر محمد عبدالله دراز قرآن را به تابلوی نقاشی نفیسی تشبیه می‌کند که اگر نظرمان را به جزء کوچکی از آن محدود کنیم، جز رنگهای متنوع در کنار هم نمی‌یابیم، بلکه باید کمی به عقب برگردیم تا میدان دیدمان وسیع شود و این تابلوی زیبا و بدیع را یکجا و یکپارچه ببینیم. او می‌گوید:

«ما در دانشگاه الازهر این قاعده را در درس تفسیر سوره‌های بقره، یونس و هود بکار بردیم، و به آثار شگفت‌انگیزی نائل گشتیم، و خطوط حقیقتی و آشکار و حدودی از دیباچه موضوع و خاتمه در آنها یافتیم که آیات افتتاحیه اولیه سوره موضوع سوره را که بزودی در خطوط اصلی به آن می‌پردازد، آشکار می‌گرداند، آنگاه به تدریج موضوع را با نظم خاص بدون تداخل جزئی با جزء دیگر، عرضه می‌دارد و در پایان در برابر دیباچه دارای خاتمه است.

و وقتی با این دید دریابیم که تاریخ نزول آیات مرتبط با ظروف و مناسبات خاصی است و در عین حال دارای وحدت منطقی و ادبی است به این نتیجه می‌رسیم که قرآن معجزه معجزات است» (۸).

از میان علمای شیعه استاد آیت‌الله خوئی ارتباط آیات را مورد تأکید

۷- مدخل الی القرآن الکریم، عرض تاریخی و تحلیل مقارن، دکتر محمد عبدالله دراز، ترجمه محمد عبدالعظیم علی مراجعه دکتر السید محمد بدوی - کویت ۱۹۷۱ دارالقرآن و دارالقلم، ص ۱۱۸.

۸- همان مأخذ ص ۱۲۰.

فراوان قرار داده آنها را همچون مرواریدهایی که با رشته پیوند به یکدیگر مرتبط شده‌اند تشبیه نموده می‌فرمایند:

«مسلماً این [نوع ترکیب] یکی از جهات بسیار نیکو برای روش قرآن است که به وسیله آن قرآن حائز جمال و بها گشته است زیرا که در عین انتقالش از موضوعی به موضوع دیگر حافظ ارتباط میان آندو بطور کمال است گویی هر جمله‌ای از آن مرواریدی است که به رشته نظم درآمده است» (۹).

واز نظر امام خمینی رضوان الله تعالی علیه حتی «بسم الله» در هر سوره متناسب با مطالب آن سوره بوده تکراری نیست چنانکه در کتاب «چهل حدیث» می‌فرمایند:

«بسم الله» در هر سوره به حسب مسلك اهل معرفت متعلق است به خود آن سوره... و به حسب هراعتباری در اسم معنای الله فرق می‌کند زیرا که آن مسمای آن اسماء است. و به حسب هر سوره‌ی که متعلق بسم الله در لفظ و مظهر آن در معنی است، معنی بسم الله مختلف می‌شود» (۱۰).

آری بی‌توجهی به ترکیب و همبستگی آیات، قرآن را از اعجاز و نطق و بیان خالی می‌سازد و به صورت کلمات قصاری پر از ابهام و تکرار درمی‌آورد و همانطور که پروفیسور عرفان شهید در مقاله خود تحت عنوان A Contribution to Quranic exegesis می‌نویسد:

«توجه به همبستگی آیات سوره در تفسیر قرآن بسیار حائز اهمیت است، چه تجزیه آیات قرآن و تفسیر هریک جدای از تمامی سوره بیش از هر چیز برای قرآن زیان‌آور است» (۱۱).

۹- البيان في تفسير القرآن، آیت الله خویی، چاپ تهران، انتشارات کعبه ۱۳۶۴، ص ۹۲ و ۹۳.

۱۰- چهل حدیث امام خمینی قدس سره، چاپ تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۸، ص ۵۴۷ در تناسب هر «بسم الله» با سوره مربوطه رجوع شود به تفسیر نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور بقاعی.

لزوم تحول از تفسیر گسسته به تفسیر پیوسته :

متأسفانه اغلب مترجمین و بسیاری از مفسرین همبستگی و تناسب و روایت آیات را مورد توجه قرار نداده، افزون بر اینکه بسیاری از ترجمه‌ها مخصوصاً ترجمه تحت‌اللفظی، تناسب و همبستگی و روابط آیات را ضعیف و کمرنگ کرده و استطردها و توضیحات طولانی مفسرین در خلال آیات در بسیاری از موارد رشته پیوند آیات را از هم گسسته و اغلب تفاسیر را به صورت دائرةالمعارفی درآورده است.

در این زمینه آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر می‌نویسد:

«به احتمال قوی به همان اندازه که روش موضوعی در فقه باعث پرباری و پیشرفت فکر فقهی شده و به گسترش تحقیقات علمی در این زمینه منجر گشته تا همه مباحث فقهی را فرا گیرد، روش بریده و تجزیه‌ای در تفسیر باعث رکود اندیشه اسلامی در زمینه‌های قرآنی شده است تا آنجا که جلو پیشرفت دائم آن را گرفته و کار تفسیر را به صورت عملی تکراری درآورده است.»

شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر سرچشمه این رکود را چنین بیان می‌کند:

«تفسیر بریده یا گسسته یا تفسیر اجزاء و مفردات قرآنی که مفسر، یک یا چند آیه را به وسیله احادیث یا عقل یا سایر آیات تفسیر می‌کند از عصر صحابه آغاز شد و تا به عصر «ابن ماجه» و «طبری» در قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری با شرح و بسط بیشتر منتهی گردید.

و این نوع تفسیر ابتدا شعبه‌ای از حدیث بود و بتدریج اطلاعات تاریخی و معلومات لغوی نیز بر آن افزوده گردید و هیچگاه از چارچوب احادیث و مدلولات لغوی پای بیرون نهد.»

آنگاه شهید سید محمد باقر صدر نتیجه می‌گیرند که باید تفسیر از

حالت بریده و گسسته به حالت پیوسته تحوّل یابد» (۱۲).
 «تفسیر کاشف» (۱۳)، گامی است در انتقال از تفسیر گسسته به تفسیر پیوسته با این تفاوت که نظر شهید از تفسیر پیوسته دسته‌بندی آیات همچون تبویب و دسته‌بندی موضوعی احادیث و مسائل فقهی است که فقهاء رضوان الله علیهم معمول داشته‌اند، اما کار تفسیر کاشف، کشف موضوع و محور هر سوره و کشف روابط آیات به همان ترتیب و ترکیبی که توسط پیامبر اکرم (ص) با وحی الهی مقرر شده است. چنانکه نمونه‌هایی در این مقاله خواهد آمد.

از نظر ما قرآن برخلاف احادیث و مباحث فقهی دارای نظم و ترتیب و ترکیب خاصی است و برهم‌زدن ترتیب و ترکیب آیات در بعضی از روایات تحت عنوان «ضرب القرآن بعضه ببعض». به شدت نهی شده است (۱۴).

و همانطور که امام صادق (ع) بیان فرموده‌اند: این بدان جهت است که پاره‌ای از قرآن را به پاره‌ای دیگر می‌زنند و به‌آیه منسوخ شده استدلال می‌کنند و گمان می‌کنند که ناسخ است و یا به متشابه احتجاج می‌کنند و چنین می‌پندارند که محکم است و به‌خاص تمسک می‌کنند و آنرا عام محسوب می‌دارند و یا به‌اول آیه احتجاج می‌کنند و سبب در تأویل آنرا رها می‌کنند و به‌آنچه آغاز و پایان کلام است نمی‌نگرند و موارد و مصادرش را نشناخته‌اند زیرا که آنرا از اهلش فرانگرفتند و گمراه شدند و دیگران را به‌گمراهی کشاندند.

واحتجوا باول الآیة وترکوا السبب فی تأویلها ولم ینظروا الی

۱۲- انسان مسؤل و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن تألیف شهید سید محمد باقر صدر، ص ۷ - ۹.

۱۳- اثر نویسنده و استاد دکتر سید محمد باقر حجتی از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۴- رجوع شود به الدر المنثور سیوطی، ج ۲، ص ۱۴۹، بیروت دارالفکر ۱۴۰۳ ه.ق. و بحار الانوار ج ۸۹، ص ۳۹ و شیخ صدون، معانی الاخبار، ص ۱۹۰ و تفسیر المیزان علامه - طباطبایی، چاپ بیروت، اعلمی، ۱۳۹۱ ه.ق، ج ۳، ص ۸۵.

مایفتح الکلام والی مایختمه (۱۴).

این روایت بخوبی بیانگر ارتباط مجموعه آیات هر سوره بایکدیگر است و تفسیر هر یک جدای از تمامی سوره و بی توجهی به آغاز و پایان آن و همچنین روابط و قرائنی که تأویل و بازگشت آیه را نشان می‌دهد، باعث گمراهی از مقاصد قرآن خواهد گشت.

تناسب آیات از نظر آیت‌الله خویی :

آیت‌الله خویی در البیان، در پاسخ کسانی که قرآن را برخلاف اسلوب اهل بلاغت و ادبای معروف خلط‌کننده مباحث و موضوعات گوناگون پنداشته و اظهار می‌دارند که اگر قرآن دسنبندی موضوعی شده بود و در هر موضوعی مطالب مربوط به هم را جمع‌آوری می‌کرد فایده آن بیشتر و استفاده از آن آسانتر بود، چنین پاسخ می‌دهند:

«قرآن برای هدایت بشر و سوق آنان به سوی سعادت دنیوی و اخروی است و آن کتاب تاریخ و فقه یا اخلاق و مانند آن نیست که برای هر کدام از آنها باب مستقلی بگشاید، و این اسلوب قرآن بدون تردید نزدیکترین روشها برای دستیابی به نتیجه مقصود است. زیرا با خواندن بعضی از سوره‌های قرآن می‌توان به بسیاری از مقاصد و اهداف آن در کمترین فرصت زمانی به راحتی دست یافت و قرآن نظر خواننده را متوجه مبدء و معاد کند و از احوال گذشتگان باخبر سازد. و از اخلاق فاضله و معارف الهیه، بهره‌مند گرداند و پاره‌ای از احکام عبادات و معاملات را به آنان بیاموزد و تمام این امور با حفظ نظام و رعایت حق بیان و مقتضای حال باشد.

و این فوائد در صورتیکه قرآن [بطور موضوعی] باب‌بندی گردد،

حاصل نمی‌شود زیرا که خواننده به اغراض و اهداف قرآن دست نخواهد یافت مگر اینکه تمامی آنرا بخواند و چه بسیار مواعی که باعث تعویق آن و خواندن تمامی آن می‌گردد و از يك دو باب آن بیشتر استفاده نمی‌شود (۱۶).

... علاوه بر اینکه قرآن بعضی از داستانها را با عبارات مختلف تکرار کرده و این بر حسب مناسباتی است که مقتضی تکرار است، بنابراین اگر این عبارات تمامی در يك باب جمع‌آوری گردد، آن فایده مورد نظر، منتفی می‌شود و تکرار فایده ملموسی برای خواننده نخواهد داشت (۱۷).

متأسفانه نزول تدریجی قرآن طی بیست و اندی سال این تصور را برای بسیاری پیش آورده که قرآن عبارتست از آیاتی پراکنده که بی‌هدف در کنار هم جمع‌آوری شده‌اند ولی مطالعه در تاریخ نزول و جمع‌آوری قرآن نشان می‌دهد که هر چند قسمتهای گوناگون قرآن در زمانهای مختلف بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده، اما همانطور که از ابن عباس نقل شده و روایات بسیاری بر آن دلالت دارد (۱۷) وقتی بر پیامبر وحی نازل می‌شد، نویسندگان وحی را احضار می‌کردند و می‌فرمودند: «این آیات را در کنار فلان آیه از فلان سوره قرار دهید» (۱۹). و اصحاب به همان ترتیبی که پیامبر اکرم (ص) تعیین کرده بودند قرآن را حفظ و تدریس می‌نمودند (۲۰) و شاید با توجه به همبستگی آیات است که در فقه شیعه

۱۶- البيان فی تفسیر القرآن، آیت الله خویی، چاپ تهران، انتشارات کعبه، ۱۳۶۴ ص ۹۲، ۹۳.

۱۷- البيان فی تفسیر القرآن، آیت الله خویی، چاپ تهران. انتشارات کعبه ۱۳۶۴، ص ۹۲، ۹۳.

۱۸- همان مأخذ، ص ۹۲.

۱۹- تاب سنن ابی داود: ص ۳۱.

۲۰- بنگرید به: الاتقان سیوطی ج ۱ ص ۹۹، البرهان ج ۱ ص ۲۳۸ و ۳۳ و مقدمتان فی علوم القرآن: ص ۴۸ و ۴۹ و ۶۴ و ۷۴ و تفسیر مجمع البیان: ج ۱ ص ۳۱، تفسیر صافی: ج ۱ ص ۲۴ و سفینة البحار ج ۱ ص ۵۲۶ و ۵۲۷ والمرشد الوجیز: ص ۴۴. والبيان آية الله خویی، ص ۹۲.

در نماز بعد از حمد باید يك سورة کامل قرائت شود و خواندن قسمتی از سورة کافی نیست (۲۱).

شیخ ولی‌الدین ملوی می‌گوید: این سخن که گفته می‌شود نباید برای آیات دنبال مناسبت گشت، به دلیل اینکه بر حسب وقایع پراکنده است توهمی بیش نیست، جان کلام این است که قرآن از لحاظ نزول بر حسب وقایع و رویدادهاست اما از جهت ترتیب و اصل مطابق حکمت بوده، بر وفق لوح محفوظ ترتیب یافته و تمام آیات و سوره‌هایش توفیقی است، چنانکه یکباره به بیت‌العزه نازل شد» (۲۲).

کسانی که به علم تناسب و روابط آیات پرداخته‌اند؟

همانطور که سیوطی در اتقان می‌نویسد: «علم مناست فنی ارزنده است و مفسرین - بخاطر دقتی که در آن هست - کمتر به آن اهتمام ورزیده‌اند» (۲۳).

نخستین کسی که به علم تناسب و روابط آیات پرداخته شیخ ابوبکر - نیشابوری است که در شرح وادبیات اطلاعات و معلومات وسیع داشته، و در درس تفسیر روابط و تناسب آیات را مورد بحث قرار می‌داد و بر علمای بغداد بخاطر اینکه علم تناسب و روابط آیات را نمی‌دانستند عیب می‌گرفت (۲۴).

از مفسرین قدیم فخر رازی در تفسیر مفاتیح‌الغیب و برهان‌الدین - ابراهیم عمر بقاعی (۸۰۹-۸۸۵ ه.ق) در کتاب نظم‌الدرر فی تناسب - الآیات والسور و ابواسحاق احمد بن ابراهیم ثعلبی (۴۲۷ ه.ق) در الکشف

۲۱- تحریر الوسیله، امام خمینی: ج ۱، ص ۱۶۰.

۲۲- نقل از اتقان سیوطی نوع ۶۲، ج ۲ ص ۴۳۲، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی چاپ تهران - امیرکبیر ۶۳.

۲۳- همان مأخذ ص ۳۴۱.

۲۴- همان مأخذ ص ۲۳۲.

والبيان عن تفسير القرآن، و ابوبكر بن العربي در احكام القرآن و سراج - المریدین و ابواسحق الشاطبی و طبرسی در مجمع البیان تحت عنوان النظم و از مفسرین جدید، شیخ محمد عبده در تفسير القرآن الحكيم و شیخ محمود شلتوت در تفسير القرآن الکریم و الی القرآن الکریم و سید قطب در تفسير فی ظلال القرآن و دکتر محمد عبدالله دراز در مدخل الی - القرآن الکریم والنباء العظیم: قرآن را بر مبنای همبستگی آیات تفسير کرده اند.

و از میان محققین اروپایی A. Cuillaume یکی از کسانی است که به همبستگی آیات توجه کرده است (۲۵).

قاضی ابوبکر ابن العربی در کتاب سراج المریدین می گوید:

«ارتباط آیات قرآن به یکدیگر به طوری که همچون کلمه واحد بوده مطالب آن تقسیم پذیر و بر پایه نظم استوار باشد علم عظیمی (در علوم قرآنی) است که کسی آنرا عرضه نکرده جز یک نفر آنها در سوره بقره، و او عارف ولی الله محمدی احمد الملوئی المظلومی است.

سپس خداوند برای ما راهی به آن گشود و چون افراد لایقی برای آن نیافتیم و مردم را از بطالت پیشگان دیدیم، بر آن مهر زدیم و آنرا بین خود و خدای خود قرار دادیم و آن را به او باز گرداندیم» (۲۶).

جهات تناسب آیات از نظر سیوطی :

از نظر سیوطی مناسبت که به معنای همشکل و نزدیک بهم بودن است در آیات به معنای رابطی میان آنها بر می گردد، که این معنای ربط دهنده

52- The Meaning of Amania in Sura 2: 73'ing Kritzcek and B. Winer (edd) - The world of Islam London 1956. pp. 41 - 46.

۲۶- به نقل از تفسیر الدرر فی تناسب الآیات والسور برهان الدین ابی الحسن ابراهیم بن عمر البقاعی، چاپ هند ۱۳۹۱ ج ۱ ص ۷-۹ و اتقان سیوطی نوع ۶۲ ج ۲ ص ۲۴۱.

یا عام است و یا خاص یا عقلی و یا حسی و یا ملازم ذهنی است، مانند سبب و مسبب و علت و معلول و نظیر یا ضد یکدیگر و مانند آن.

با توجه به این روابط و تناسبها تألیف کلام مانند ساختمان محکمی می‌شود که قسمتهای مختلف آن باهم مربوط و هماهنگ‌اند.

● بعضی از روابط آشکار است مانند آیاتی که متمم و مکمل یکدیگر بوده و یا تأکید یا تفسیر و یا بدل از ماقبل می‌باشند.

● و بعضی از روابط غیر آشکارند، در اینصورت اگر میان آنها واو عطف باشد باید میان آندو جمله جهت جامعی باشد مانند این فرموده:

یعلم ما یلج فی الارض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء و ما یعرج فیها (۲۷).

خداوند می‌داند آنچه در زمین فرو رود و آنچه از آن برآید و آنچه از آسمان فرود آید و آنچه در آن بالا می‌رود بجهت تضاد میان فرورفتن و بیرون‌شدن و فرود آمدن و بالارفتن و شبه تضاد میان آسمان و زمین و از مواردی که در آن حالت تضاد دارد: ذکر و رحمت بعد از عذاب و رغبت بعد از رهبت می‌باشد، و شیوه قرآن چنین است که هر گاه احکامی یاد می‌کند پس از آن وعده و وعیدی ذکر می‌کند تا انگیزه‌ای باشد برای عمل به آنها، سپس آیات توحید و تنزیه خداوند می‌آید تا عظمت امرکننده و نهی‌کننده دانسته شود و اگر در سوره‌های البقره و نساء و مائده دقت کنید این شیوه را می‌یابید.

● و اگر معطوف نباشد باید قرائن و روابط معنوی مانند تنظیر، مضاد یا استطراد، متصل بودن سخن را برساند. چنانکه دو سوره بقره به‌دنبال سخن از هدایت مؤمنان، سخن از دسته‌مقابل آنان یعنی کافران به‌میان آورده می‌فرماید: ان الذین کفرو سواء علیهم... (۲۸) زیرا همانطور که گفته‌اند، اشیاء با ضدشان بیان می‌شوند (۲۹).

۲۷- حدید : ۴.

۲۸- بقره: ۶.

۲۹- وبضدها تتبین الاشیاء.

یا در سوره اعراف پس از ذکر آشکار شدن عورت آدم و حوا و پوشاندن آنها با برگ بر سبیل استطراد می فرماید: یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یواری سواتکم و ریشاً و لباس التقوی ذلک خیرا. برای تذکر اینکه ستر و پوشش از ابواب مهم تقوی است (۳۰).

قاعده کلی برای یافتن ارتباط آیات :

سیوطی از یکی از متأخرین قاعده‌های کلی برای یافتن ارتباط آیات نقل نموده می نویسد:

«امر کلی که شناخت مناسبات آیات در تمام قرآن را برساند آن است که غرضی که سوره در جهت آن سیاق یافته و دقت کنی، و در مقدماتی که آن غرض نیازمند است نظر نمایی، و قربو بعد مراتب آن مقدمات را نسبت به مطلوب بررسی می کنی و هنگام کشیده شدن سخن در مقدمات به توابع آن که شنونده نموداری از احکام و لوازم تابع آن را در دل احساس می دارد، مشهود است که مقتضای بلاغت آن است که زحمت توجه به نمودار برداشته شده و تشنگی شنونده با تسریع در بیان مطلب فرونشانده شود، و این همان امر کلی است که بر حکم ربط بین تمام اجزای قرآن سایه افکنده است و اگر این را تعقل نمایی وجه نظم بین هرآیه با آیه دیگر و هر سوره با سوره دیگر به طور مفصل روشن می شود» (۳۱).

همبستگی آیات از نظر ما :

با تجربیاتی که ما طی پانزده سال کار بر روی ارتباط و همبستگی آیات و موضوعات مختلف هر سوره بدست آورده، مسئله همبستگی آیات محدود به هرآیه با آیه قبل و بعد نمی شود بلکه هر سوره محور یا محورهایی

۳۰- به نقل از ترجمه الانتقان فی علوم القرآن، چاپ تهران، امیرکبیر ۱۳۶۳ ج ۲

ص ۳۴۳-۳۴۵.

۳۱- همان مأخذ ص ۳۴۷.

دارد که تمامی آیات و مطالب و موضوعات گوناگون آنرا دربرمی گیرد، و از این بالاتر در قرآن محورهایی است که کل آیات قرآن را شامل و رابط می شود و مهم کشف این محورهای کلیدی عام و خاص با روش تحقیق تجربی و آزمایشی است.

نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که قرآن برخلاف کتابهای بشری محدود به یک محور و یک بعد نبوده بلکه همچون خود خداوند، نامحدود و بیکران است. و در هر زمان می توان کرانه هایی از آنرا کشف کرد و بنابراین برای کشف ارتباط آیات و مطالب هر سوره باید به مطلع و پایان سوره و محور و غرضی که سوره در جهت آن سیاق یافته و مقدماتی که آن غرض نیازمند است، توجه کرد.

همچنین بسیاری از آیات قرآن دارای فضای تاریخی خاصی در زمان خود بوده که اکنون آن فضای تاریخی فراموش شده و با فضای حال حاضر نامربوط بنظر می رسد. این نوع آیات را چنانکه در این مقاله از نظر می گذرانید باید در فضای خاص خود تفسیر کنیم تا ارتباط آن بیکدیگر کاملاً روشن گردد.

اینک به نمونه هایی از آنچه در خلال تحقیقات و آزمایشها کشف کرده ایم اشاره نموده تفصیل آنرا به کتاب «میثاق در قرآن» و مجلدات «تفسیر کاشف» و امی گذاریم.

نمونه ای از نطق، سوره بقره با توجه به ارتباط آیات:

کلمه تقوی، نمونه ای از کلمات کانونی است که محور تمامی کتب آسمانی بطور عموم، و محور قرآن است بطور خصوص و محور سوره بقره است بطور اخص.

اما محور تمامی کتب آسمانی است به دلیل این آیه که می فرماید:

ولقد وصينا الذين اوتوا الكتاب من قبلكم واياكم ان اتقوا الله (۳۲).
ما کسانی را که قبل از شما به آنها کتاب آسمانی دادیم و همچنین
شما را وصیت کردیم که تقوای الهی پیشه کنید.

به گفته یکی از عرفا اگر وصیتی جامع تر از تقوی بود مسلماً خداوند
آنها ذکر می کرد. بعضی دیگر از عرفا گفته اند که همه خوبیهای دنیا و
آخرت در يك کلمه جمع شده و آن تقوی است.

و اگر به متن دعوت پیامبرانی چون حضرات نوح، هود صالح، لوط،
شعیب، الیاس، ابراهیم، موسی عیسی و محمد علیهم السلام بنگریم می بینیم
که اساس دعوت آنها بعد از دعوت به توحید این بود که الاتتقون (۳۳)
(چرا تقوی پیشه نمی کنید؟)

اما تقوی محور کل قرآن است به دلیل اینکه در آغاز قرآن می فرماید:
الم ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین (۳۴).

این کتاب که در آن تردیدی نیست مایه هدایت تقوی پیشگان است.
همین «هدی للمتقین» محور خاص سوره بقره است به دلیل آنکه
آیه مذکور در مطلع این سوره آمده و اگر به قسمتهای مختلف آن بنگریم
می بینیم که در هر قسمت به روی آن تکیه شده و با تمام موضوعات مورد
بحث سوره در ارتباط است.

ما ترجمه پیوسته را تا کنون در چند سوره بزرگ (از آغاز قرآن تا
آخر سوره اعراف) پیاده کرده و خوشبختانه همه را دارای رشته پیوند
یافته ایم که در مجلدات تفسیر کاشف از نظر می گذرانید.

اینک در این قسمت به عنوان نمونه رشته پیوند سوره بقره را - که
از سوره های طولانی است و به طور پراکنده نازل شده و از اینرو بعضی از
مفسرین همچون علامه طباطبایی رضوان الله علیه غرض و محور واحدی

۳۲- سوره نساء: ۱۳۱.

۳۳- بنگرید به سوره شعرا آیات: ۱۰۶، ۱۲۴، ۱۶۱، ۱۷۷ و صافات: ۱۲۴ و عنکبوت:

۱۶، اعراف: ۱۲۸، آل عمران: ۵ و مؤمنون: ۸۷.

۳۴- البقره ۲.

را جامع آیات آن نمی‌دانند (۳۵) - بطور فشرده از نظر می‌گذرانیم:

فضا و زمینه تاریخی سوره بقره :

این سوره نخستین سوره‌ایست که بعد از هجرت پیامبر اکرم به مدینه نازل شده و همانطور که از آن برمی‌آید بیشتر سخن در برابر یهودیان ساکن مدینه است که اکنون در برابر پیامبر و مسلمانان در احتجاجند و همچنانکه از ابن عباس نقل شده که آیه ۷ و ۸ این سوره (ان الذین کفرو...) دربارهٔ یهود مدینه نازل شده (۳۶) و امام صادق در تفسیر آیه ۸۹ این سوره می‌فرماید: «یهودیان در کتابهای خود دیده بودند که محل هجرت پیامبر اسلام بین کوه «عیر» و «احد» (دو کوه اطراف مدینه) خواهد بود؛ از اینرو به این مناطق آمدند و برخی در قسمت «تیما»، گروهی در منطقه «فدک»، عده‌ای در «خیبر» و بسیاری میان دو کوه عیر و احد یعنی مدینه فعلی اقامت گزیدند - آنگاه به رقابت آنها دو قبیلهٔ اوس و خزرج نیز به مدینه آمدند - تا هنگامی که پیامبر موعود ظهور کند وی را یاری دهند. وقتی حضرت محمد (ص) ظهور کردند، اوس و خزرج ایمان آوردند و انصار نامیده شدند، اما یهودیان که از قبل با عشق و علاقه آمده بودند، تا بیاری پیامبر موعود بشتابند، نسبت به وی و قرآن کافر شدند، همان قرآنی که تصدیق‌کنندهٔ تورات بود». و این سوره یکی از هفت سوره‌ایست که پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: «مرا بجای تورات این هفت سوره دادند» (۳۸).

- ۳۵- تفسیرالمیزان علامه طباطبایی، چاپ بیروت، اعلمی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۳.
- ۳۶- اسباب‌النزول سیوطی ذیل تفسیر الجلالین، چاپ دمشق مکتبه الملاح، بی‌تا، ص ۴.
- ۳۷- التفسیر ابی‌النصر محمد بن عباس‌السلمی، تهران، اسلامیه؛ بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹ و ۵۰، مجمع‌البیان طبرسی، بیروت بی‌تا، ج ۱ ص ۱۵۸ و تفسیرالصافی، فیض‌کاشانی، بیروت اعلمی، ۱۴۰۲ ج ۱ ص ۱۱۵.
- ۳۸- روض‌الجنان ابوالفتوح رازی تصحیح شعرانی، ج ۱ ص ۱۱ و ۱۲ والتبیین فی تفسیرالقرآن، طوسی، تهران اسلامیه ۱۳۶۴ ه.ق. مقدمه.

هدی للمتقین جامع و رابط آیات سوره بقره :

● در سوره بقره پس از ذکر موضوع سوره (هدی للمتقین) «در بیست آیه اول مردم را در برابر هدایت قرآن به دو دسته تقسیم می کند: متقین و غیر متقین و غیر متقین را هم به چند گروه تقسیم می کند: منافقین، کافرین، فاسقین، ظالمین و خاسرین، و برای روشن شدن منظور از متقین و اینکه چرا قرآن مایه هدایت متقن است نه غیر متقین، صفات و مشخصات هر کدام را در برابر هم ذکر می کند.

بخش اول هدف از آفرینش انسان :

● اکنون اگر با محور هدی للمتقین در سوره پیش رویم می بینیم که در آیه ۲۱ عبادت را وسیله رسیدن به تقوی معرفی می کند: اعبدوا ربکم.. لعلکم تتقون.

● و در ضمن خلقت انسان را مطرح می کند (الذی خلقکم) و اینکه زمین و نعماتش را برای شما آفرید.

● و انسان را از شرك به خدا و کفر نسبت به قرآن و آتشی که در انتظار آنهاست، تقوی و پرهیز می دهد (فاتقوا النار الّتی وقودها الناس والحجارة اعدت للكافرین) (آیه ۲۳ و ۲۴).

● در آیه ۲۵ طبق معمول بدنبال هشدار کافران، به بشارت مؤمنان و نیکوکاران می پردازد.

● آیه ۲۶ و ۲۷ در تفسیر آیه اول یعنی هدی للمتقین نشان می دهد که چگونه در برابر يك مثال افراد با ایمان آنها مثلی به حق از جانب خدا می دانند اما کفرپیشگان آنها به زیر سؤال می برند و افراد فاسق که عهد الهی را شکسته و به فساد و بزهکاری در زمین می پردازند آنها وسیله گمراهی قرار می دهند در زمره زیانکاران درمی آیند (وما یضل به الا-

الفاسقین) .

● در آیات ۲۸ و ۲۹ خطاب به کفر پیشگان فسادگر در زمین می‌فرماید: «شما به‌خدایی کفر می‌ورزید که او به‌شما نعمت حیات داد و هم او شما را می‌میراند و سپس شما به سویش مراجعت می‌کنید. همان خدایی که تمامی آنچه در زمین است برای شما آفریده است. سپس به‌آسمانهای هفتگانه پرداخت که آنها نیز نعمتهایی است برای شما». و لازمه اینهمه نعمت عظیم، تقوی و شکر و اصلاح در زمین است نه کفر و فساد در زمین.

● آیه ۳۰ هدف از آفرینش انسان را عبارت از خلافت زمین ذکر می‌کند: انی جاعل فی الارض خلیفه و بنا به سنت الهی طبق قرآن و گواه تاریخ شرط رسیدن به خلافت و اقتدار زمین، تقوی است چنانکه حضرت موسی به قومش گفت :

ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین (۳۹) .

زمین از آن خداست و او هر کس از بندگان خود را که بخواهد وارث [خلافت و اقتدار] آن می‌گرداند و سرانجام [نیک خلافت] از آن تقوی پیشگان است.

و در همین سوره آیه ۴۷ و ۴۸ ضمن یادآوری نعمتهایی که به بنی‌اسرائیل ارزانی داشته و آنها را با دادن خلافت و وراثت زمین ملت برگزیده جهان آنروز گردانده شرط نعمت خلافت و اقتدار را که همان تقوی است به‌آنان گوشزد می‌کند:

یا بنی‌اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم وانی فضلّکم علی العالمین واتقوا...

● فرشتگان با توجه به انسانهایی که پس از رسیدن به قدرت و خلافت زمین، از مرز تقوی خارج و دست به فساد و خونریزی می‌زنند عرضه داشتند :

اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء؟

● خداوند در پاسخ جزیی بینی و کئی گویی فرشتگان ابتدا به جمال فرمود: انی اعلم ما لاتعلمون و آنگاه با ارائه علم و کمال بیکران آدمی و قدرت بازگویی آموخته‌ها و کمالات انسان با زبان و عمل، برتری و صلاحیت آدم را برای مقام خلافت زمین نشان داد.

● در آیه ۳۴ نشان می‌دهد که چگونه فرشتگان با اطاعت از خدا و تواضع و سجود در برابر آدم پیامبر خدا، تقوی به خرج دادند و شیطان با عصیان و امتناع از فرمان خدا و استکبار از تقوی خارج و از کافران می‌گردد.

● آیه ۳۵ در تابلویی دیگر خداوند بهشت زمین را به آدم و همسرش می‌سپارد و همه‌گونه نعمت در اختیارش قرار می‌دهد مشروط به یک شرط و آن تقوی در برابر شجره منیه است (ولاتقربا هذه الشجره).

● و در آیه بعد شیطان مقدمات بی‌تقوایی آدم و حوا را در برابر شجره منیه فراهم می‌آورد و با گرفتن تقوای آنان آنها از بهشت اخراج و دچار هبوط در دنیایی می‌گردند که بجای صلح و صفای بهشتی، عداوت و دشمنی مردم با یکدیگر است، (وقلنها اهبطوا بعضکم لبعض عدو).

● در آیه ۳۷ آدم از جانب رب (مالک، مولی مدبر و مربی) خویش کلماتی دریافت می‌کند و با راهنمایی کلام الله به سوی خدا باز می‌گردد و خداوند مهربان توبه او را می‌پذیرد.

● آیات ۳۸ و ۳۹ سنت کلی و همیشگی الهی را در مورد تمامی آدمها تا به روز قیامت بیان می‌کند: هرگاه هدایتی از جانب من به سوی شما آمد کسانی که تقوی پیشه کنند و از هدایت من پیروی کنند، در آسایش و امنیت بسر می‌برند و هیچ خوف و اندوهی بر آنها نیست. (اما یأتینکم منی هدی. فمن تبع هدای فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون) و کسانی که بجای تقوی کفر ورزند و آیات هدایتگر ما را تکذیب کنند، اینان اصحاب آتشند و همیشه در آن خواهند بود.

این نتیجه کلی در پایان داستان آدم را اگر همچنان با آیه اول یعنی ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین در نظر بگیریم چنین نتیجه خواهیم گرفت: کسانی که از قرآن کلام هدایتبخش پروردگار پیروی کنند در بهشت امنیت و آسایش بسر می‌برند و کسانی آیات قرآن را کافر شوند و تکذیب کنند برای همیشه اصحاب آتش بوده، زندگی جهنم‌گونه‌ای خواهند داشت.

بخش دوم: آدمیان بر سر دوراهی تقوی و بی‌تقوایی:

یکی از روشهای بسیار جالب قرآن در بیان مطالب اینست که از اجمال آغاز می‌شود و به تفصیل آن ادامه می‌یابد و این خود یکی از روابط و تناسب معنوی آیات است:

کتاب احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر (۴۰).

در این بخش یعنی از آیه ۴۰ تا ۱۲۳، بدنبال تقسیم اجمالی مردم در برابر هدایت قرآن به متقین و غیر متقین و فشرده‌ای از داستان آدم که نشان می‌دهد انسانها بر سر دوراهی تقوی و بی‌تقوایی واقع شده‌اند و همواره در معرض وسوسه‌های شیطانی می‌باشند و اگر با کلمات هدایتبخش الهی به سوی خدا نگردند، مظهر کفر و استکبار و فسق و ظلم و خسران و تکذیب شیطان گشته در زمرة اصحاب النار در خواهند آمد. اینک در این بخش داستانهای بنی اسرائیل نمونه‌ها و مصادیق بارز جهات منفی داستان آدم، یعنی کفر و ظلم و استکبار و فسق و فساد و خونریزی است که فرشتگان به آن اشاره کردند. به معرض نمایش درمی‌آورد:

در این آیات به تفصیل می‌بینیم که چگونه خداوند انواع نعمای خود را مانند نعمت حیات، استقلال، آزادی و انواع روزیهای زمین را به بنی-اسرائیل ارزانی می‌دارد (۴۰-۵۰) و آنها را به خلافت می‌رساند و بر همه

مردم جهان آنروز برتری و اقتدار می‌بخشد (آیه ۳۷) و در سرزمین پربرکت و بهشت گونه موعود مسکن می‌دهد، اما این ملت بجای تقوی عهد و پیمان الهی را می‌شکند (آیه ۱۰۲) و در نتیجه جزو ظالمین در می‌آید (آیه ۵۱). و به سزای کفران نعمت و نقض میثاق خود می‌رسد و هبوط می‌کند (آیه ۶۱).

ولی باز هم خداوند توبه‌پذیر و مهربان راه بازگشت را با نزول قرآن به رویشان می‌گشاید و نعمتها و الطاف خود را نسبت به آنان خاطر نشان می‌سازد. (آیه ۴۰، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷) و با آنان ضمن تجدید عهد، اتمام حجت می‌کند، باشد که باز گردند و بوسیله قرآن و پیامبر اسلام هدایت یابند و تقوی پیشه شوند (بقره ۴۱). اما هنگامی که آن کتاب هدایت و پیامبر که از قبل نشانیهای آنرا شناخته بودند نزد آنان آمد، نسبت به آن کافر شدند. فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به (۸۹) و مورد لعن و دورباش از مقام خلافت و وراثت زمین واقع شدند (فلعن الله علی الکافرین) آیه ۸۹.

بخش سوم: انتقال عهد و امامت و خلافت از ظالمان به عادلان (شاهد):

آیه ۱۲۴ عهد نامه خدا با حضرت ابراهیم (ع) و ذریه‌اش را به یاد می‌آورد که خداوند پس از آزمون حضرت ابراهیم وی را اما مو خلیفه برای مردم قرار می‌دهد (انی جاعلک للناس اماماً) و چون حضرت در مورد ذریه‌اش می‌پرسد خداوند می‌فرماید: ولا ینال عهدی الظالمین، عهد امامت و خلافت من به ظالمین نمی‌رسد. بلکه (ان الارض یرثها عبادی الصالحون) (۴۱). بنابراین بنی اسرائیل که اینک طبق آیات پیشین در زمره ذریه ظالمین حضرت ابراهیم درآمده‌اند دیگر شایستگی عهد امامت و خلافت را نداشته، ملت برگزیده نخواهند بود.

در آیه ۱۲۷-۱۲۹، تابلویی دیگر از عهدنامه حضرت ابراهیم و اسماعیل را با خدا ارائه می‌دهد که طی آن هر دو از خدا می‌خواهند که از ذریه آنها امتی مسلمان قرار دهد و راه و رسم عبادت و توبه و بازگشت را به آنان نشان دهد و در میان آنان پیامبری برگزیند که آیات هدایت را برای آنها بخواند، و کتاب خدا و حکمت را به آنان بیاموزد و آنان را تزکیه نماید:

ربنا واجعلنا مسلمین لك وین ذریتنا امة مسلمة لك... وابعث فیهم رسولا منهم یتلو علیهم آیاتك و...

● آیه ۱۳۰-۱۴۰ یکی دیگر از مواد عهدنامه ابراهیم با خدا را یادآور می‌شود و آن پیروی از آیین اسلام یعنی تسلیم در برابر خداست، و حضرت ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود، بنی اسرائیل دین اسلام را وصیت می‌کنند: فلاتموتن الا وانتم مسلمون.

ولی علی‌رغم این وصیت، بنی اسرائیل از پیغمبر اکرم (ص) و مسلمانان می‌خواهند که «کونوا هوداً اونصاری تهتدوا» (یهودی یا مسیحی باشید تا هدایت یابید)، و پیغمبر اکرم را تا آنجا قبول داشتند که از آئین تحریف شده و شرك‌آلود آنها پیروی کند: ولن ترضی عنك الیهود ولا النصراری حتی تتبع ملتهم (آیه ۱۲۰) و با روح خود بر تربیتی تبلیغ می‌کردند که جز یهود یا نصاری هرگز وارد بهشت نشود: (آیه ۱۱۱) (لن یدخل الجنة الا من كان هوداً اونصاری) پیغمبر اکرم مأمور می‌شود که اعلام کند: ما تابع هیچیک از ایندو آئین تحریف شده و شرك‌آلود شما نیستیم بلکه بیائید به سرچشمه ایندو دین توحیدی یعنی آئین ناب ابراهیم بازگردیم و از آنچه بر ما و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب اسباط و موسی و عیسی و سایر پیامبران (علیهم‌السلام) نازل شده پیروی کنیم و همگی تسلیم فرمان خدا باشیم (ونحن له مسلمون).

● در آیات ۱۴۲-۱۵۰، با تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، رسماً استقلال مسلمانان را اعلام می‌دارد و عملاً نشان می‌دهد که آنها در جهت و خط حضرت ابراهیم بوده نه خط منحرف شده یهود و نصاری.

- آیه ۱۵۰ مستقل شدن و درآمدن مسلمانان در خط و آئین ناب ابراهیمی را اتمام نعمتی بر آنها می‌شمارد (ولاتم نعمتی علیکم) و به آنها توصیه می‌کند که از یهود و نصاری نترسید بلکه از خدا بترسید.
- در آیه ۱۵۱ به نعمت دیگری بر مسلمانان اشاره می‌کند و آن اینکه خداوند دعای حضرت ابراهیم و اسماعیل را اجابت نمود و در میان شما ذریه و امت مسلمان پیامبری از خود شما فرستاده که آیات الهی را بر شما می‌خواند و تزکیه می‌کند و کتاب خدا و حکمت رب به شما می‌آموزد.
- و اینچنین خداوند عهد امامت و خلافت خود را از ذریه ظالم حضرت ابراهیم یعنی بنی اسرائیل باز می‌ستاند و به ذریه و امت عادل و صالح آن حضرت یعنی پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان می‌سپارد و آنان را امتی وسط (معتدل و میانه) به عنوان شاهد (نمونه عدالت) قرار می‌دهد: و كذلك جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداً .

و اینچنین شما را [با هدایت قرآن] امتی میانه [معتدل] قرار دادیم تا [همه به برتری و عدالت شما اعتراف کنند و به عنوان نمونه عدالت] شاهدان بر مردم جهان باشید، و پیامبر شاهد و نمونه [عدالت و تقوی] برای شما باشد (آیه ۱۴۳).

این آیه کنایه از عادل بودن امت مسلمان و ذریه حضرت ابراهیم از نسل حضرت اسماعیل در برابر امت و ذریه ظالم حضرت ابراهیم از نسل اسرائیل است (۴۲) زیرا معمولاً در میان مردم کسی که از همه عادلتر و

۴۲- در مورد تبدیل شدن بنی اسرائیل به ذریه ظالم حضرت ابراهیم در همین سوره رجوع شود به این آیات :

- ثم اتخنتم العجل من بعده و انتم ظالمون (بقره: ۵۱).
- یا قوم انکم ظلمتم انفسکم با تخاذکم العجل (بقره: ۵۴).
- و انزلنا علیکم المن والسلوی، کلوا من طیبات ما رزقناکم و ما ظلمونا و لکن کانوا انفسهم یظلمون (بقره: ۵۷).

فبیل الذین ظلموا قولا غیر الذی قیل لهم فانزلنا علی الذین ظلموا رجاً من السماء ←

معتدل‌تر و راستگو و باتقوی است به‌عنوان شاهد عادل و حجت در دعاوی انتخاب و برگزیده می‌شود.

می‌ندانی آیه ام‌الکتاب
 آب و تاب چهره ایام تو
 امت عادل تو را آمد خطاب
 در جهان شاهد علی‌الاقوام تو

اقبال لاهوری

● طبیعی است که با استقلال مسلمانان و انتقال قبله و مقام امامت و پیشوایی از بنی‌اسرائیل به بنی‌اسماعیل و سایر مسلمانان، خشم بنی‌اسرائیل برانگیخته شود و با آنان به خصومت و جنگ و جدال پردازند. از اینرو خداوند مسلمانان را به استعانت و یاری جستن از صبر و نماز و فداکاری و پذیرفتن شهادت و چشم‌پوشی از مال و جان و تحمل گرسنگی و کمبودها، ترس و انواع مصائب دعوت می‌کند. (آیه ۱۵۳-۱۵۷) (واستعینوا بالصبر والصلاة...)

بخش چهارم مرزهای تقوی و عدالت :

همانطور که در داستان آدم گذشتت کلید بهشت و شرط خلافت، تقوی در برابر شجره ظلم است. اکنون که خداوند خلافت و امامت را به مسلمانان می‌سپارد و آنان را امتی معتدل و میانه قرار می‌دهد تا به‌عنوان شاهد، نمونه عدالت برای مردم باشند:

و كذلك جعلناكم امة وسطاً لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيداً.

در این بخش به شرایط خلافت و امامت می‌پردازد و مرزهای عدالت و تقوی را مشخص می‌کند:

→

بما كانوا يفسقون (بقره: ۵۹).

● و نیز رجوع شود به آیه‌های ۹۲، ۹۵.

۴۳-ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمين.

● ابتدا مهمترین شرط یعنی یکتاپرستی و تقوی و پرهیز از شرك را در آیات ۱۶۳-۱۶۷ توصیه می کند.

● آنگاه آنها را از پیروی خطوط شیطان دشمن آشکار آدمیان تقوی و پرهیز می دهد (۱۶۸-۱۷۱).

● آیه ۱۷۰ تقلید کورکورانه و عدم تعقل کفرپیشگان را مورد نکوهش قرار می دهد باشد که تقوی پیشگان عقل خود را بکار گیرند.

● از آیه ۱۷۲ حدود تقوی در خوردنیها را بیان می دارد و درمقابل انحراف و بی تقوایی کفرپیشگان اهل کتاب و غیره که با خوردن بعضی از خوردنیهای حرام مانند گوشت خوک و خون، و یا گوشتهایی که در برابر بتان ذبح شده، قلب خود را با مهر و محبت غیر خدا سیراب می کنند، و گویی آتش در اندرون خود فرو می بلعد (آیه ۱۷۳-۱۷۶) خداوند به مسلمانان با ایمان به عنوان میزان می فرماید: از نعمتهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید تا قلب شما با مهر و محبت الهی به شکر و طاعت از خدا پرداخته تنها او را عبادت و پرستش کند (آیه ۱۷۲).

● در آیه ۱۷۷ اصلاح انحراف اعتقادی، عملی و اخلاقی آندسته از اهل کتاب - که به ظواهر و ظروف دین بسنده کرده بر و تقوی را در روی کردن به سمت مشرق و مغرب می پندارند - پرداخته، بر و نیکی را در صفات دهگانه صدیقین و متقین می شمارد. (لیس البران تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب ولكن...)

و در قسمتهای بعد به تفصیل هریک از صفات صدیقین و متقین را بیان می کند. این صفات در سه بخش است:

۱- بر و تقوی در عقیده ۲- بر و تقوی در عمل.

۳- بر و تقوی در اخلاق.

سخن آیه شجره در ارتباط با حدودالله :

● و بالاخره در این سوره تا به آخر بنا به گفته ابوالفتوح رازی در

حدود ۵۰۰ حکم تحت عنوان حدودالله بیان شده (۴۴) که باتوجه بهارتباط و همبستگی آیات می‌توان تأویل و مصداق تفصیلی شجره منهبه داستان آدم دانست که در زمان پیامبر اکرم شاخه‌ها و ثمرهای آن اینچنین گسترش یافته است.

توضیح اینکه با توجه به نکات مشترکی که در ایندو یعنی شجره منهبه و ۵۰۰ حکم از حدودالله، بکار رفته می‌توان دریافت که حدود و محرمات الهی منطبق با شجره منهبه بلکه از بارزترین مصدایق آن در این سوره است. این نکات مشترك عبارتند از :

۱- هر دو مورد نهی الهی هستند.

۲- هر دو آنچنان خطرناکند که حتی نباید به آنها نزدیک شد بلکه باید در برابر آنها تقوی بکاربرد.

۳- تقوی در برابر هر دو شرط بقای امامت و خلافت و سکونت در بهشت زمین و بهشت آخرت است.

۴- نتیجه و ثمره دست یازیدن به‌آندو ظلم به خویشان است.

۵- سزای دست یازیدن به‌آندو خروج از بهشت است.

قرآن احکام الهی را به حدود و مرزها تشبیه کرده که معمولا با وسائل خطرناک چون درخت و یا سیم خاردار محصور و ممنوع شده است.

خصوصیات حدود واحکام الهی	خصوصیات شجره
تلك حدود الله فلا تقربوها (بقره : ۱۸۷) اینها حدود و مرزهای الهی است به آنها نزدیک نشوید.	۱- ولاتقربا هذه الشجرة (بقره : ۳۵) به این درخت نزدیک نشوید.
فلا تقربوها، كذلك یبین الله آیاته للناس لعلهم ینتقون. به این حدود نزدیک نشوید، اینچنین خداوند آیاتش را برای مردم بیان می کند باشد که تقوی پیشه شوند. (بقره : ۱۸۷)	۲- ولاتقربا نزدیک نشوید = تقوی
تقوی در برابر حدود و اطاعت از خدا و رسول شرط دخول در بهشت است. تلك حدود الله ومن یطع الله و رسوله یدخله جنات. (نساء : ۲۳)	۳- تقوی در برابر شجره شرط سکونت در بهشت است. یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة بقره : ۳۵
تجاوز کاران به حدود الهی نیز همان ظالماتند و من یتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون (بقره : ۲۲۹)	۴- نتیجه و ثمره دست یازیدن به شجره ظلم به خویشان است: ولاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمین بقره : ۳۵
سزای عصیان و تجاوز در برابر حدود و مرزهای الهی نیز خروج از بهشت و ورود به آتش دوزخ است: ومن یعض الله و رسوله یتعد حدوده یدخله نارا (نساء : ۱۴)	۵- سزای دست یازیدن به شجره منه خروج از بهشت است : فازلهما الشيطان عنها فأخرجهما مما كانا فیها بقره : ۳۶